



سرمقاله

ظریف و ضرورت تغییر پارادایم سیاست خارجی ایران

ادامه از صفحه یک
دوم آن‌که، مقاله و به‌درستی بر این نکته تأکید می‌کند که ایران نمی‌تواند تا ابد در وضعیت «محصار ذهنی» بماند. وقتی یک کشور سال‌ها زیر فشار تحریم، تهدید و روایت‌سازی امنیتی زندگی کند، کم‌کم این تصور شکل می‌گیرد که همه راه‌ها به بن‌بست رسیده‌اند. ظریف با طرح مفهوم «تغییر پارادایم» می‌خواهد این چرخه را بشکند. او می‌گوید نباید گذشته را فراموش کرد، اما نباید اسیر آن هم شد. این جمله، اگر درست فهمیده شود، دعوت به سازش کاری نیست؛ دعوت به عقلانیت است. ملتی که تجربه سختی‌های فراوان دارد، بیش از هر چیز به افقی تازه نیاز دارد؛ افقی که در آن آینده فقط تکرار زخم‌های گذشته نباشد.
از منظر منطقه‌ای نیز، مقاله ظریف واجد اهمیت است. او به‌درستی یادآور می‌شود که جهان امروز دیگر بر مبنای قطب‌های ثابت و بلوک‌های سخت اداره نمی‌شود. نظم بین‌المللی، سیال‌تر، پراکنده‌تر و در عین حال خطرناک‌تر شده است. در چنین شرایطی، کشورها باید به‌جای انتظار برای نجات از بیرون، خودشان شبکه‌ای از همکاری‌های منطقه‌ای و چندجانبه بسازند. این همان جایی است که ایده «منطقه‌قوی» معنا پیدا می‌کند. منطقه قوی یعنی منطقه‌ای که به‌جای اتکا به مداخله‌گران بیرونی، بر توان همسایگان، همکاری اقتصادی، امنیت جمعی و منافع مشترک تکیه کند. این ایده اگرچه ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل می‌تواند مهم‌ترین راه برای کاهش تنش‌های مزمن خاورمیانه باشد.

ظریف در مقاله خود به‌نوعی از یک منطق کهنه عبور می‌کند: منطق «تهدید باید!» (در این منطق، هر تحول خارجی به‌مثابه خطری مستقیم برای بقا تلقی می‌شود و نتیجه‌اش، جامعه‌ای همیشه در حالت آماده‌باش، سیاستی همیشه تدافعی و اقتصادی همیشه خسته است. در مقابل، او از سیاستی دفاع می‌کند که تهدید را انکار نمی‌کند، اما آن را تنها افق ممکن هم نمی‌داند. این رویکرد، از نظر سیاسی بالغ‌تر است. کشوری که بخواهد بزرگ بماند، باید بتواند همزمان از خود دفاع کند و برای آینده سازنده باشد. دفاع لازم است، اما دفاع اگر به تنها منطق سیاست تبدیل شود، کشور را از فرصت‌ها محروم می‌کند.

همچنین باید به شجاعت سیاسی این مقاله توجه کرد. در فضای داخلی ایران، هر سختی که بوی دیپلماسی بدهد، گاه با سوءظن یا اتهام ضعف مواجه می‌شود. اما ظریف تلاش می‌کند می‌نشان دهد که دیپلماسی نه نشانه ترس، بلکه ابزار اعمال قدرت هوشمندانه است. اگر کشوری بتواند از طریق گفت‌وگو، ابتکار و طراحی چندجانبه، هزینه‌های دشمنی را بالا ببرد و هزینه‌های همکاری را پایین بیاورد، در واقع از سطحی بالاتر از صرف تقابل حرکت کرده است. این همان چیزی است که بسیاری از قدرت‌های موفق جهان دنبال می‌کنند: نه حذف قدرت سخت، بلکه تبدیل آن به پشتوانه‌ای برای مذاکره.

نکته مهم دیگر این است که مقاله ظریف، با وجود همه انتقادات، عملاً یک بحث جدی درباره «منفعت ملی» را به میان می‌کشد. او از ایران به‌عنوان یک جامعه دارای سرمایه انسانی، ظرفیت فناوریانه، تمدن تاریخی و موقعیت ژئوپلیتیک مهم یاد می‌کند؛ یعنی کشوری که سزاوار آن است به‌جای فرسایش در تنش‌های بی‌پایان، به سمت شوکوفایی حرکت کند. چنین نگاهی برای ایران ضروری است، چون کشورهایی با این سطح از ظرفیت، اگر در چرخه دائمی بحران باقی بمانند، نه تنها فرصت‌های تاریخی خود را هدر می‌دهند، راه درست آن است که قدرت داخلی، امنیت منطقه‌ای و دیپلماسی خارجی در یک راستا قرار گیرند، نه در برابر هم.

در نهایت، مقاله ظریف را باید یک هشدار و در عین حال یک فرصت دانست. هشدار از این جهت که ادامه مسیرهای فرساینده، نه به عزت بیشتر می‌انجامد و نه به رفاه پایدار؛ و فرصت از این جهت که هنوز امکان بازسازی رابطه ایران با منطقه و جهان وجود دارد. مقاله او دعوتی است به شجاعت در تغییر، نه شجاعت در تکرار. این شاید مهم‌ترین پیام آن باشد: کشورهایی که می‌خواهند بمانند و پیش بروند، باید گامی از چارچوب‌های قدیمی بیرون بیایند و به‌جای تکرار ادبیات بحران، زبان آینده را یاد بگیرند.

اگر بخواهم در یک جمله جمع‌بندی کنم، حمایت از مقاله ظریف یعنی حمایت از این ایده که ایران باید از «سیاست واکنش» به «سیاست ابتکار» برسد؛ از «تله تهدید» به «افق فرصت»؛ و از مدیریت فرسایشی بحران به ساختن نظمی که در آن امنیت، توسعه و کرامت ملی در کنار هم معنا پیدا کنند. این دیدگاه شاید همه اختلاف‌ها را حل کند. اما قطعاً یکی از معهود راهم‌ای است که می‌تواند ایران را از دور باطل تنش و فرسایش بیرون بیاورد و راستش را بخواهید، برای کشوری با این همه ظرفیت، کمتر از این هم واقعاً برزنده نیست.

به گزارش ایرنا، جنگ تحمیلی سوم از ۹ اسفند ۱۴۰۴ با حمله به خاک کشور آغاز شد و از همان روزهای نخست، مراکز علمی و آموزشی نیز در فهرست اهداف قرار گرفتند. در یکی از این حملات، مدرسه‌ای در میناب هدف قرار گرفت که به کشته شدن ۱۶۷ کودک انجامید.

بر اساس این گزارش، در طول یک ماه ابتدایی جنگ، شماری از دانشگاه‌های کشور از جمله ارومیه، اصفهان، خلیج فارس، علوم و فنون دریایی خرمشهر و علوم دریایی چابهار دچار خساراتی شدند.

همچنین در بامداد شنبه هشتم فروردین ماه ۱۴۰۵ دشمن با حمله به دانشگاه علم و صنعت، تخریب یکی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در این دانشگاه را در کارنامه سیاه خود برجسته کرد. در این حمله ساختمان مرکز تحقیقاتی دانشگاه علم و صنعت ایران دچار تخریب ۱۰۰ درصدی شده است.

پس از گذشت یک هفته از حمله دشمن به دانشگاه شرایطی، کشورها باید به‌جای انتظار برای نجات از بیرون، خودشان شبکه‌ای از همکاری‌های منطقه‌ای و چندجانبه بسازند. این همان جایی است که ایده «منطقه‌قوی» معنا پیدا می‌کند. منطقه قوی یعنی منطقه‌ای که به‌جای اتکا به مداخله‌گران بیرونی، بر توان همسایگان، همکاری اقتصادی، امنیت جمعی و منافع مشترک تکیه کند. این ایده اگرچه ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل می‌تواند مهم‌ترین راه برای کاهش تنش‌های مزمن خاورمیانه باشد.

ظریف در مقاله خود به‌نوعی از یک منطق کهنه عبور می‌کند: منطق «تهدید باید!» (در این منطق، هر تحول خارجی به‌مثابه خطری مستقیم برای بقا تلقی می‌شود و نتیجه‌اش، جامعه‌ای همیشه در حالت آماده‌باش، سیاستی همیشه تدافعی و اقتصادی همیشه خسته است. در مقابل، او از سیاستی دفاع می‌کند که تهدید را انکار نمی‌کند، اما آن را تنها افق ممکن هم نمی‌داند. این رویکرد، از نظر سیاسی بالغ‌تر است. کشوری که بخواهد بزرگ بماند، باید بتواند همزمان از خود دفاع کند و برای آینده سازنده باشد. دفاع لازم است، اما دفاع اگر به تنها منطق سیاست تبدیل شود، کشور را از فرصت‌ها محروم می‌کند.

همچنین باید به شجاعت سیاسی این مقاله توجه کرد. در فضای داخلی ایران، هر سختی که بوی دیپلماسی بدهد، گاه با سوءظن یا اتهام ضعف مواجه می‌شود. اما ظریف تلاش می‌کند می‌نشان دهد که دیپلماسی نه نشانه ترس، بلکه ابزار اعمال قدرت هوشمندانه است. اگر کشوری بتواند از طریق گفت‌وگو، ابتکار و طراحی چندجانبه، هزینه‌های دشمنی را بالا ببرد و هزینه‌های همکاری را پایین بیاورد، در واقع از سطحی بالاتر از صرف تقابل حرکت کرده است. این همان چیزی است که بسیاری از قدرت‌های موفق جهان دنبال می‌کنند: نه حذف قدرت سخت، بلکه تبدیل آن به پشتوانه‌ای برای مذاکره.

نکته مهم دیگر این است که مقاله ظریف، با وجود همه انتقادات، عملاً یک بحث جدی درباره «منفعت ملی» را به میان می‌کشد. او از ایران به‌عنوان یک جامعه دارای سرمایه انسانی، ظرفیت فناوریانه، تمدن تاریخی و موقعیت ژئوپلیتیک مهم یاد می‌کند؛ یعنی کشوری که سزاوار آن است به‌جای فرسایش در تنش‌های بی‌پایان، به سمت شوکوفایی حرکت کند. چنین نگاهی برای ایران ضروری است، چون کشورهایی با این سطح از ظرفیت، اگر در چرخه دائمی بحران باقی بمانند، نه تنها فرصت‌های تاریخی خود را هدر می‌دهند، راه درست آن است که قدرت داخلی، امنیت منطقه‌ای و دیپلماسی خارجی در یک راستا قرار گیرند، نه در برابر هم.

در نهایت، مقاله ظریف را باید یک هشدار و در عین حال یک فرصت دانست. هشدار از این جهت که ادامه مسیرهای فرساینده، نه به عزت بیشتر می‌انجامد و نه به رفاه پایدار؛ و فرصت از این جهت که هنوز امکان بازسازی رابطه ایران با منطقه و جهان وجود دارد. مقاله او دعوتی است به شجاعت در تغییر، نه شجاعت در تکرار. این شاید مهم‌ترین پیام آن باشد: کشورهایی که می‌خواهند بمانند و پیش بروند، باید گامی از چارچوب‌های قدیمی بیرون بیایند و به‌جای تکرار ادبیات بحران، زبان آینده را یاد بگیرند.

اگر بخواهم در یک جمله جمع‌بندی کنم، حمایت از مقاله ظریف یعنی حمایت از این ایده که ایران باید از «سیاست واکنش» به «سیاست ابتکار» برسد؛ از «تله تهدید» به «افق فرصت»؛ و از مدیریت فرسایشی بحران به ساختن نظمی که در آن امنیت، توسعه و کرامت ملی در کنار هم معنا پیدا کنند. این دیدگاه شاید همه اختلاف‌ها را حل کند. اما قطعاً یکی از معهود راهم‌ای است که می‌تواند ایران را از دور باطل تنش و فرسایش بیرون بیاورد و راستش را بخواهید، برای کشوری با این همه ظرفیت، کمتر از این هم واقعاً برزنده نیست.

دانشگاه‌ها زیر آتش حملات تجاوزگران قرار گرفت

هدف گیری علم توسط دشمن

همزمان با تشدید درگیری‌ها در جنگ تحمیلی سوم، مراکز علمی و دانشگاه‌های کشور هدف حملات گسترده قرار گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که وزیر علوم اعلام کرده است تاکنون ۳۰ دانشگاه در سراسر کشور در معرض تخریب و خسارات مستقیم قرار گرفته‌اند، رویدادی که امنیت فضای علمی و تحقیقاتی کشور را با چالش مواجه کرده است.



استادان این دانشگاه از جمله شهید طهرانچی، شهید مینوچهر و شهید ذوالفقاری به شهادت رسیدند و بیش از ۶۰ دانشجوی کشور نیز قربانی شدند.

وزیر علوم تأکید کرد که حمله به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، پرکشت به عصر حجر است و نشان‌دهنده دشمنی با علم، فرهنگ و تمدن است؛ دشمنی که حتی از ابتدایی‌ترین ارزش‌های انسانی و دموکراسی فاصله گرفته است. اما کشور ما همچنان به مسیر توسعه علمی و فناوری ادامه خواهد داد و این اقدامات دشمن برای ایران و جهان را متوقف کند.

خوشنت‌آمیز نمی‌تواند عزم ما در تربیت نیروی انسانی علمی برای ایران و جهان را متوقف کند. در این ایام تلاش کردیم با استادان دانشگاه‌های مختلف گفت و گو کنیم و نظرات آنها را درباره حمله دشمن به مراکز علمی جویا شویم. سید جواد میری استاد تمام جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات آموزش عالی در گفت وگو با ایرنا تأکید داشت که اقدامات مستندسازی و نام‌نگاری به مجامع بین‌المللی در محکومیت حمله به دانشگاه‌ها و مراکز علمی ضروری است اما کافی نیست و ایران برای مقابله به تهدیدات خارجی نیازمند بازتعریف کلان استراتژی امنیت ملی و تقویت بازآرندگی تام و اخص است.

محمّد صرّی و تقویت بازراندگی علم دانشگاه امام صادق (ع) با بیان اینکه دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند موتور محرک تولید قدرت ملی و بازآرندگی در جنگ ترکیبی باشند، تهاجم دشمن به مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی را در راستای قطع زنجیره تولید قدرت ملی ارزیابی کرد.

علیرضا رهایی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر با محکوم کردن حملات به مراکز آموزشی و

علمی، این اقدامات را مغایر با اصول انسانی و قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی دانست و خواستار اتخاذ تدابیر فوری برای جلوگیری از تکرار آن شد.

معصومه مقیمی دانشیار رشته مدیریت آموزشی دانشگاه فرهنگیان تهران با محکوم کردن حمله به دانشگاه تهران، این اقدام را نقض آشکار قوانین بین‌المللی و نشانه استیصال دشمنان دانست و تأکید کرد که چنین اقداماتی عزم جامعه علمی کشور را برای پیشرفت بیشتر تقویت می‌کند.

سید مصطفی سیدات موسوی معاون آموزشی دانشگاه علم و صنعت تأکید کرد که اساتید و جامعه دانشگاهی باید با استفاده از ظرفیت‌های علمی و انجمن‌های تخصصی، صدای اعتراض خود را در رابطه با حمله متجاوزان به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به مجامع بین‌المللی برسانند و نقش خود را در دفاع از حرمت دانش و استقلال دانشگاه ایفا کنند.

منوچهر مرادی سبزواری معاون پژوهشی دانشگاه تهران گفت: دانشگاه‌ها خانه اندیشه و گفت‌وگو هستند و هرگونه خشونت و تهدید در این فضا، حمله به بنیان‌های پیشرفت ملی و کرامت انسانی تلقی می‌شود.

وحید احدی استاد دانشگاه تربیت مدرس، حمله به دانشگاه علم و صنعت ایران و سایر مراکز آموزشی کشورمان را محکوم و تأکید کرد که حمله به مراکز علمی و پژوهشی، صرفاً یک اقدام نظامی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌معنای آسیب به سرمایه‌های علمی، اخلاقی و انسانی است.

در ادامه امیرمحمد حاجی‌یوسفی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

طرح به پاکستان برای ایران – آمریکا چه بود؟

آتش بس دو مرحله‌ای و بازگشایی تنگه هرمز

ارتباطی در مذاکرات (نهایی خواهد شد. سایت خبری آمریکایی اکسپوس اولین رسانه‌ای بود که روز یکشنبه از این طرح خبر داد. این رسانه با استناد به منابع آمریکایی، اسرائیلی و منطقه‌ای اعلام کرد ایالات متحده، ایران و کشورهای میانجی در منطقه در حال مذاکره برای آتش‌بس احتمالی ۴۵ روزه به عنوان بخشی از یک توافق دو مرحله‌ای هستند که می‌تواند به پایان دائمی جنگ منجر شود. این منبع به رویترز گفت ژنرال "عاصم منیر" فرمانده ارتش پاکستان، «در تمام طول شب» با جی. دی. ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، استیو ویتکوف، فرمانده ویژه آمریکا و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در تماس بوده است.

یکی از این منابع گفت: «ایران هنوز پاسخی ن داده است.» وی افزود در تماس باخشی که پیشنهادهای مورد حمایت پاکستان، چین و ایالات متحده برای آتش‌بس موقت هنوز هیچ تعهدی دریافت نکرده‌اند.

رویترز به نقل از یک مقام ارشد ایرانی که خواست نامش فاش نشود ادا کرد جمهوری اسلامی تنگه هرمز را در ازای «آتش‌بس موقت» بازگشایی نخواهد کرد. وی افزود تهران معتقد است واشنگتن برای آتش‌بس دائمی آماده نیست. این مقام تأیید کرد ایران پیشنهادی از پاکستان برای آتش‌بس فوری دریافت کرده و در حال بررسی آن است. تهران فشار برای موافقت با ضرب‌الاجل‌ها به تصمیم‌گیری را نمی‌پذیرد.

شهادت رئیس اطلاعات سپاه

در حمله تجاوزگران صورت گرفت

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور بیانیه ای از شهادت سردار سرلشکر پاسدار سید مجید خامنی، رئیس مقتدر و فرهیخته سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبر داد.

به‌گزارش ایسنا، بیانیه روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پی شهادت سردار سرلشکر پاسدار سید مجید خامنی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم
«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فِيمَنْهُمْ مَنْ قَضَى نَجْبَةً وَمَنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا بُيُوتَهُمْ» (احزاب / ۲۳)

به آگاهی ملت شریف، قهرمان و مجاهد ایران عزیز می‌رساند:

”سردار سرلشکر پاسدار سید مجید خامنی“ رئیس مقتدر و فرهیخته

سیاست روز

خبر

توسط شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی اعلام شد

برنامه‌های چهارمین روز گردگشت رهبر شهید انقلاب



شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در اطلاعیه‌ای برنامه مراسم چهارمین روز عروج ملکوتی قائد شهید امت را اعلام و از تمامی آحاد ملت شریف و از تمامی اقشار این ملت بزرگ، دعوت کرد با حضوری حداکتری و کوبنده، صحنه‌ای دیگر از حماسه‌های ماندگار را رقم زنند.

به گزارش ایسنا به نقل از شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، متن اطلاعیه به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَا تَحْشَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

چهار روز از واقعه جانگاز و از آن لحظه‌ای که سپهر ولایت به عزا نشست و امت اسلام در فقدان فرزند رشید حسین ابن علی، جگرسوزترین سوگ تاریخ معاصر خویش را تجربه کرد می‌گذرد.

حضرت آیت‌الله العظمی امام سید علی حسینی خامنه‌ای (قدس الله نفس الزکیه) - قائد عظیم‌الشأن امت اسلام، رهبر و پیشوای مسلمانان جهان، امام آزادگان و مستضعفان، اسوه اجتهاد و جهاد و استقامت، خلف صالح امین و روح‌الله و حامل رایت بلند ولایت - در حمله‌ای سencana و جنایتکارانه از سوی آمریکای متجاوز و رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی، به فیض اعلای شهادت نائل آمدند و به ملکوت اعلی‌ پیوستند.

آن امام فرزانه، یکسره، عمر مبارک خویش را وقف اعتلای کلمه حق، صیانت از کبان انقلاب اسلامی و خدمت خالصانه به این ملت بزرگ نمود؛ ملتی که در هر پیچ و خم تاریخ، پیوند عمیق و ناگسستنی خود را با قائد شهید به نمایش گذاشت و ایکن نیز، در چهارمین روز عروج ملکوتی‌اش، با حضوری باشکوه و دشمن‌شکن، ثابت خواهد کرد که نه تنها در سوگ امام خویش اشک می‌ریزد، که بر عهد دیرین و پیمان راسخ خود با راه و آرمان ایشان، استوارتر از همیشه ایستاده است و در این میان، لطف الهی و حکمت بالغه پروردگار بود که در اوچ این سوگ جانگاز، با انتخاب خلف صالح مجتبی خامنه‌ای (مدظله العالی)، سنت دیرین صالح بعد از صالح را در این امت جاری ساخت و مرمضی بر زخم دل ملت داغدار نهاد، آلام را تسکین بخشید و آرامشی راسخ و عمیق را در کالبد جامعه اسلامی دمید.

دشمن در محاسبه‌ای جاهلانه و توهمی باطل پنداشت که با هدف قرار دادن قلب تپنده انقلاب، می‌توان این درخت تناور و ریشه‌دار را از پای درآورد؛ اما غافل از آن بود که ملت ایران، این ملت بصیر و هوشیار و پرورش‌یافته در مکتب عاشورا، همواره از خون شهیدانش نه سستی و یاس، که عزم و اراده و حیات می‌گیرد. این حضور عظیم، پاسخی کوبنده و صریح به آن توهم باطل است.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، برنامه مراسم چهارمین روز عروج ملکوتی قائد شهید امت را به شرح ذیل اعلام می‌دارد و از تمامی آحاد ملت شریف و از تمامی اقشار این ملت بزرگ، دعوت می‌نماید با حضوری حداکتری و کوبنده، صحنه‌ای دیگر از حماسه‌های ماندگار را رقم زنند.

چهارشنبه، مصافد با چهارمین شب شهادت، مراسم سوگواری، سینه‌زنی دسته‌جات عزاداری، محافل مداحی، ذکر مصیبت وتلاوت قرآن، در تمامی میادین اصلی، مساجد و بقاع متبرکه سراسر کشور از ساعت ۲۰ برگزار خواهد شد تا عزاداران در این شب پرفیض، با حضور قلبی و معنوی خویش، روح والای آن شهید بزرگوار را شاد و از سرچشمه پایان‌ناپذیر ولایت سیراب گرداند. روز پنج‌شنبه، همزمان با عروج ملکوتی قائد شهید امت و از ساعت ۹ با حرکت دسته‌جات عزاداری و هیئات مذهبی از میدان جمهوری اسلامی، به سمت مکان مقابل محل شهادت امام شهید، خیابان کشور دوست واقع در خیابان جمهوری تهران به سوگواری و عزاداری خواهند پرداخت.

همچنین همخوانی دعای سلامتی امام زمان (عج) با صدای رهبر شهید انقلاب در ساعت ۲۱ در میادین و اماکن متبرکه.

بررسی ابتکار عمل ایران در جنگ

تنگه هرمز؛ نبضی که نظم جهان را تنظیم می‌کند

در همین چارچوب، پیوند میان انرژی و سیاست جهانی وارد مرحله جدیدی شده است؛ مرحله‌ای که در آن اعتماد به تضمین‌های یک‌جانبه کاهش یافته و کشورها به سمت تنوع‌بخشی به شرکای خود حرکت کرده‌اند. نقش کشورهایی مانند روسیه و ایران در این میان برجسته‌تر شده و به‌عنوان تأمین‌کنندگان پایدار مورد توجه قرار گرفته‌اند.

گذار به نظم چندقطبی انرژی

تحولات اخیر نشان‌دهنده حرکت نظام بین‌الملل به سمت چندقطبی شدن در حوزه انرژی است. در این نظم جدید، دیگر یک قدرت واحد تعیین‌کننده مسیرهای اصلی تأمین انرژی نیست، بلکه مجموعه‌ای از بازیگران مستقل نقش آفرینی می‌کنند. این تغییر، ساختار سنتی وابستگی به غرب را دچار تزلزل کرده است.

هند به‌عنوان نمونه‌ای مهم، با بازگشت به منابع پیشین خود نشان داده که سیاست‌های ایدئولوژیک جای خود را به منطق اقتصادی داده‌اند. این چرخش، همراه با تغییر رویکرد برخی کشورهای اروپایی، بیانگر کاهش کارآمدی سیاست‌های فشار و تحریم در حوزه انرژی است. در نتیجه، شبکه‌های جدید از همکاری‌های انرژی در حال شکل‌گیری است که بر پایه منافع متقابل و واقع‌گرایی اقتصادی بنا شده است.



در این چارچوب، تنگه هرمز نه فقط یک گذرگاه فیزیکی، بلکه نماد تغییر توازن قدرت در نظام انرژی جهانی محسوب می‌شود؛ جایی که بازیگران مستقل توانسته‌اند قواعد جدیدی را بر تعاملات جهانی تحمیل کنند.